

بازتاب قرارداد ۱۹۰۷م در مطبوعات فارسی

(با استناد بر حبل‌المتین)

آزینا لقایی

با آغاز قرن بیستم چند واقعه مهم در ایران اتفاق افتاد؛ جدایی بخشهایی از سیستان و به‌کارگیری استراتژی سرزمینهای سوخته با محروم کردن قسمت باقیمانده آن ناحیه از آب، که به نابودی تدریجی سیستان در سالهای بعد انجامید،^۱ و وقوع انقلاب مشروطه با تبدیل ساختار سنتی حکومت به شکل نوین برگرفته از الگوهای خارجی از جمله وقایع این دوره بودند. واقعه مهم دیگر این دوره انعقاد عهدنامه مشهور ۱۹۰۷م میان انگلستان و روسیه است، که فصولی از آن به تقسیم ایران اختصاص دارد. قرارداد ۱۹۰۷ را از چند بُعد می‌توان بررسی کرد؛ اما مطمع نظر این مقاله بررسی بازتاب قرارداد در مطبوعات فارسی زبان است، و در میان مطبوعات این دوره حبل‌المتین جایگاه و منزلتی شایان توجه دارد و اولین روزنامه‌ای است که درباره قرارداد ۱۹۰۷ افشاکری کرد. این مقاله نیز بیشتر بر افشاکریهای حبل‌المتین کلکته و تهران تکیه دارد.

قبل از پرداختن به موضوع اصلی توضیحی کوتاه درباره سیر شکل‌گیری قرارداد ۱۹۰۷م لازم به نظر می‌آید. انگلستان از اوایل قرن بیستم بیش از روسیه خواهان عقد قرارداد مصالحه بود؛ به همین دلیل، به طور رسمی یا غیررسمی، سعی در حل اختلاف با روسیه داشت؛ ایران از موضوعات متنازع فیه آنها بود. در اکتبر ۱۹۰۱م/رجب ۱۳۱۹ق لئزداون وزیر خارجه انگلستان، در گفت‌وگو با سفیر روسیه، پیشنهاد داد ایران به دو منطقه نفوذ تقسیم شود ولی روسیه نپذیرفت؛ زیرا نمی‌خواست روابطش را با افغانستان قطع کند و قسمتی از ایران را در اختیار انگلستان قرار دهد.^۲ سیاست خارجی

۱. رضا رئیسی‌طوسی، «استراتژی سرزمینهای سوخته»، فصلنامه تاریخ معاصر ایران، س ۱، ش ۲ و ۴ و س ۲، ش ۶.

۲. فیروز کاظم‌زاده. روس و انگلیس در ایران ۱۸۶۴-۱۹۱۴ پژوهشی درباره امپریالیسم. ترجمه منوچهر امیری.

(تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۴). ص ۴۵۵.

انگلستان انعقاد قرارداد با روسیه را ایجاب می‌کرد؛ بنابراین، با اتخاذ تدابیر و تمهیداتی، روسیه را به مذاکره و امضای قرارداد مورد نظرش وادار ساخت. از جمله اقدامات انگلستان در این جهت، انعقاد قراردادی با ژاپن در ۳۰ ژانویه ۱۹۰۲م/ ۲۰ شوال ۱۳۱۹ق بود که به ظاهر منحصر به خاور دور می‌شد؛^۳ ولی ژاپن، با اتکا به همین قرارداد، در ۹ فوریه ۱۹۰۴م/ ۲۲ ذی‌قعدة ۱۳۳۱ق به روسیه حمله کرد.^۴ این جنگ از نظر داخلی و خارجی تبعات سنگینی برای روسیه داشت که بررسی همه جانبه آن در حیطه این بحث نمی‌گنجد فقط چند نکته را باید در مد نظر داشت. اول، ضعف روسیه در کنترل اوضاع داخلی که در نهایت زمینه را برای بروز انقلاب ۱۹۰۵، و متعاقب آن ۱۹۱۷، فراهم کرد. در این سالها امپراتوری روسیه چنان درگیر مسائل داخلی شد که برای پیشبرد اهداف سلطه‌جویانه‌اش در خارج از مرزهای خود رمقی برایش باقی نماند و نتوانست به عنوان رقیب قدرتمندی در مقابل انگلستان عرض اندام کند. نکته دوم، تأثیر در هم شکستن سیمای مقتدر روسیه در نظر ایرانیان است که در شکسته شدن این تصویر، روزنامه‌های فارسی نقش مهمی داشتند. آنها با چاپ مقالات متعدد نشان دادند که همسایه شمالی ایران یک طبل توخالی است که حتی توان محافظت از خود را هم ندارد. در کتابهای مربوط به تاریخ مشروطه نیز به کرات به تأثیر این شکست در روحیه ایرانیان اشاره شده است. برای اجتناب از تطویل کلام فقط به ذکر نمونه‌ای قناعت می‌شود. کسروی در این باره می‌نویسد: «لشکرهای آماده ژاپون و کاردانیهای سرداران ایشان و فیروزیهای پیاپی که می‌یافتند ایرانیان را تکان سختی می‌داد. ژاپون که چندی پیش گمنام بوده و در سایه مشروطه و تکان توده به این جایگاه رسیده بود درس بزرگی به ایرانیان می‌آموخت و همه را می‌سپاند.»^۵

حرکت بعدی انگلستان عقد قراردادی در ۸ آوریل ۱۹۰۴م/ ۲۲ صفر ۱۳۲۲ق با فرانسه بود که بدانوسیله اختلافاتش را در مورد مراکش، مصر و سیام با فرانسه حل کرد^۶ و متحد قدرتمند دیگری در اروپا به دست آورد. در اقدامات بعد، سر چارلز هاردینگ در ماه مه ۱۹۰۴م / صفر ۱۳۲۲ق به سن‌پترزبورگ اعزام شد. او در مدت مأموریتش، که تا ژانویه ۱۹۰۶م / ذیحجه ۱۳۲۳ق به طول انجامید، توانست سیاست خارجی روسیه را

۳. همان، ص ۳۶۷-۳۶۶. ۴. همان، ص ۴۳۶.

۵. احمد کسروی تبریزی. تاریخ مشروطه ایران. (تهران، امیرکبیر، ۲۵۳۷). ج ۱، ص ۴۴.

۶. فیروز کاظم‌زاده. روس و انگلیس در ایران. ص ۴۴۷.

تحت تأثیر قرار دهد.^۷ موانع میان اتحاد روسیه و انگلستان رفته‌رفته برداشته شد. در دسامبر ۱۹۰۵م/شوال ۱۳۳۲ق لیبرالها در انگلستان قدرت را در دست گرفتند و با شدت پیگیر اتحاد با روسیه شدند. در نیمه اول ۱۹۰۶م/ ۱۳۲۴ق وزیر امور خارجه روسیه لمسدورف استعفا داد و الکساندر پتروویچ ایزولسکی جانشین او شد. در نتیجه، اشیای دشمن سرسخت انگلیسیها را از تهران فراخواندند و هارتویک جانشین او شد. سر آرتور نیکلسن هم در اوائل همان سال به عنوان سفیر جدید انگلستان به سن پترزبورگ رفت. مثلث سر ادوارد گری، هاردینگ معاون دائمی وزارت خارجه و نیکلسن «دارای تصمیمی واحد بودند، بدین معنی که نخست اتحاد روس و انگلیس را فراهم آورند و سپس آن را حفظ کنند».^۸

با این مقدمات و در چنین موقعیتی روسیه و انگلستان توانستند، پس از سالها مذاکره در مورد ایران، افغانستان و تبت، در ۳۱ اوت ۱۹۰۷م/ ۲۲ رجب ۱۳۲۵ق در سن پترزبورگ با امضای قراردادی به توافق برسند.

مذاکرات انگلستان و روسیه گرچه مخفیانه انجام گرفت اما از دو سال قبل از امضای قرارداد، در جراید معتبر جهان اشاراتی به آن می‌شد. در روزنامه‌های فارسی زبان هم اخبار آن انعکاس یافت. روزنامه جبل‌المتین بیش و پیش از سایر روزنامه‌های فارسی زبان درباره قرارداد ۱۹۰۷م مقالاتی منتشر کرد. جبل‌المتین در ۲۹ ربیع‌الثانی ۱۳۳۳ق/ ۳ ژوئیه ۱۹۰۵م به خوبی دریافته بود که «فعلاً نقطه‌ای که محط نظر سیاسیون غرب و میدانی که محل تکاپوی غریبین است همانا ممالک ایران می‌باشد که عن‌قربب بیش از پیش مغربیان هجوم بدان سوی خواهند نمود. جز روس و انگلیس دول سائره را رسوخ و نفوذ تائم در وسط آسیا نمی‌باشد؛ به عبارت صاف و ساده، ایران موضوع رقابت انگلیس و روس با کمال شدت واقع شده است».^۹ و در مقاله دیگری اشاره می‌کند که مسئله وسط آسیا «سالهای دراز بین سیاسیون انگلیس و روس موضوع رقابت بوده و هریک در پیشرفت مقاصد خود مساعی جمیله به کار برده و می‌برند. انگلیسیان در این ایام که روس در اقصای شرق به فشار سرپنجه قدرت ژاپون دچار است چهار اسبه به اجرای مقاصد خود پرداخته و به قدری خیالات خود را پیش برده که در تصور نبود».^{۱۰} تا این هنگام پیشفرض نویسندگان مقالات جبل‌المتین بر رقابت آشتی‌ناپذیر انگلستان و روسیه استوار بود، گرچه

۷. همان، صص ۴۵۸-۴۵۶. ۸. همان، صص ۴۶۱-۴۵۹. ۹. جبل‌المتین. س ۱۲، ش ۳۹، صص ۳-۱.

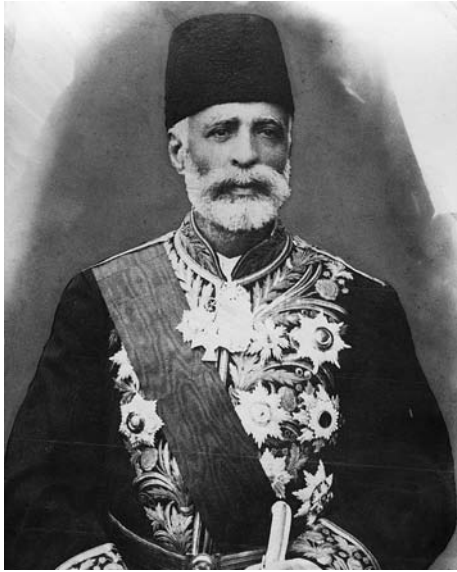
۱۰. همان، ش ۴۵، ص ۳.

بعدها براین دیدگاه خرده می‌گیرند. در دوم شعبان ۱۳۲۳ ق سمرقائه جبل‌المتین به بررسی اتحاد انگلیس و ژاپن می‌پردازد و استدلال می‌کند که رقبای انگلستان، یعنی روسیه و آلمان، هم برای خنثی کردن اثر این معاهده ناگزیرند با هم متحد شوند؛ زیرا معاهده ژاپن و انگلستان «غلغله غربی در سیاسیون اروپا افکنده نقشه‌های سیاسی جمیع عالم را باطل کرده و وضع پلتیک [پلیتیک] کلیه دول را منقلب ساخته است... لابداً رقبای انگلیس نیز کسب قوتی توأم نموده تابوانند در مقابل این قوت عظیم حفظ حقوق و جلب منافع خویش نمایند آنچه از قرائن سیاسیه مشهود است دولتین آلمان و روس که دو رقیب بزرگ ژاپون و انگلیس‌اند و منافع تجارتی و سیاستی‌شان مربوط و پیچیده به یکدیگر است در مقابل معاهده دولتین ژاپون و انگلیس عقد معاهده نموده یا عملاً قریب خواهند نمود.^{۱۱} اما نویسنده این مقاله اشتباه کرده است؛ زیرا موقعیت به هیچ‌وجه برای اتحاد روسیه با آلمان مهیا نبود و از مدتها قبل برای اتحاد انگلستان و روسیه زمینه‌چینی شده بود. ایرانیان هم از این موضوع بی‌اطلاع نبودند؛ چنانکه یک سال قبل از چاپ این مقاله، در ۸ آوریل ۱۹۰۴ / ۲۲ صفر ۱۳۲۲، میرزا سید محمودخان دیبا علاءالملک سفیر سابق ایران در استانبول در دیداری از هاردینگ پرسید «آیا این شایعه که به زودی پیمان موافقتی بین روس و انگلیس امضاء خواهد شد صحت دارد یا نه؟ سرآرثر [آرتور] گفت که چنین پیمانی برای همه دولت‌های ذینفع سودمند خواهد بود. علاءالملک برخلاف این نظر جدل می‌کرد.»^{۱۲} مقاله روزنامه تربیت در ۱۲ شعبان ۱۳۲۳ ق هم اشاره بر آن دارد که روسها تمایلی به اتحاد با آلمان ندارند و بیشتر مایل‌اند با انگلستان به توافق برسند: «از قرار اظهار بعضی از روزنامه‌ها وزیرخارجة روس میل به تشکیل مودت و موافقتی با انگلیس نموده و گفته است اگر روابط تجاری ما زیاد شود صلح دنیا سرگرفته و جای تأسف است که بعضی اختلافهای بی‌معنی اینقدر ضررهای غیرلازم وارد آورده. اعلیحضرت امپراتور هم این رأی را پسندیده‌اند. از طرف دیگر روزنامه‌های روس و آلمان گفت‌وگو می‌کنند که در مقابل اتحاد انگلیس و ژاپن دولتین روس و آلمان عهد مودتی منعقد نمایند و ترتیباتی داده شده مگر در کنفرانسی که این روزها وزیراعظم ایتالیا با وزیراعظم آلمان در [بادن - بادن] خواهد داشت داخل شده برای تشکیل میزان اعتدال دول مذاکره نمایند ولی روسها چندان شوقی به این مسئله

۱۱. همان، س ۱۳، ش ۶، ص ۳-۱.

۱۲. فیروز کاظم‌زاده. روس و انگلیس در ایران... ص ۴۴۷.

ندارند و به مودت انگلیس بیشتر مایل اند.^{۱۳} روزنامه جبل‌المتین در شماره بعدی مورخ ۱۶ شعبان ۱۳۲۳ق در بخش تلگرافها دو خبر به نقل از طمس [Times] پاریس و لندن چاپ می‌کند که نشاندهنده تلاش روس و انگلیس برای دستیابی به توافق است. «طمس



سید محمود دیا علاءالملک [۶-۲۷]

پاریس می‌نویسد: مظنون است به وساطت فرانس اتحادی بین روس و انگلیس قائم شود. اخبارات روس می‌نویسند که هرگاه این اتحاد قائم گردد مؤثرتر از اتحاد آلمان و روس خواهد بود.^{۱۴} در شماره ۱۰ هم می‌نویسد: «مخبرطمس لندن را نیز عقیده براین است که ملاقات سفیر انگلیس با امپراتور روس برای ریختن شالوده اتحاد است. مسافرت موقتی سفیر نیز به لندن برای استحکام این اتحاد

می‌باشد.^{۱۵} پس از این اخبار است که جبل‌المتین در هشتم رمضان ۱۳۲۳ق مقاله‌ای را به اتحاد قریب‌الوقوع روسیه و انگلستان اختصاص می‌دهد و اتحاد این دو کشور را موجب تغییر نقشه سیاسی دنیا و مخصوصاً آسیا، که نتیجه‌ای بسیار وخیم برای ایران خواهد داشت، می‌داند و درباره علل تمایل روسیه و انگلستان به این اتحاد بحث می‌کند و علت آن را جلب منافع تجاری می‌داند.^{۱۶} اقدام دیگر جبل‌المتین نقل و تحلیل اخبار و مقالات نشریات روسیه درباره اتحاد با انگلستان است: «جرائد روس یک قلم می‌نویسند که اتحاد با آلمان امروز به حال ما مفید نتواند شد. هرگاه اتحاد انگلیس، چنانچه دلخواه ماست، میسر آید برای روس مفیدتر می‌باشد. گذشته بر این، اتحاد با انگلیس محل

۱۴. جبل‌المتین. س ۱۳، ش ۸، ص ۲۲.

۱۳. تربیت. س ۸، ش ۳۸۲، ص ۱۹۷۶.

۱۵. همان، ش ۱۰، ص ۱-۲. ۱۶. همان، ش ۱۱، صص ۴-۱.

اتحاد دیرینه ما با فرانسه نیست ولی دوستی با آلمان منافی بایگانگی فرانسه می‌باشد.^{۱۷} و به نقل از روزنامه نوری ورمیا می‌نویسد: «اتحاد روس با انگلیس، گذشته از حل مسئله وسط آسیا در امور دیگر هم لازم و همان قسم کنارکشی از اتحاد با آلمان ما را واجب آمده است، اتحاد روس با آلمان، در غربی آسیا مورث زحمات فراوان تواند گردید... اگرچه برخی روس و انگلیس را هم معاند یکدیگر می‌دانند ولی دوستی این دو دولت را هیچ دشواریهای طبیعی نیست و در صورتی که روس با انگلیس متفق شده دوستانه سلوک نمایند امنیت اروپا و آسیا تا دیرباز قائم خواهد ماند.»^{۱۸} نویسندگان روزنامه جبل‌المتین از طریق روزنامه‌های چاپ پاریس و لندن و پترسبورگ تاحدودی نسبت به مواد معاهده روس و انگلیس اطلاع حاصل کردند و متوجه شدند که ایران از موضوعات اصلی این اتحاد است. وقایع‌نگار طمس پاریس از پترسبورگ چنین می‌نویسد: «گفت‌وگوی اتحاد بین روس و انگلیس جاری است. فعلاً مسائلی که از چندی قبل بین دولتین مشارالیهما موضوع بحث بوده (یعنی ایران و افغانستان محل گفت‌وگو و در انجام و فیصله این امور اتحاد این دو دولت حتمی‌الوقوع است. قطعاً از شرائط عهدنامه یکی این خواهد بود که دولت انگلیس تقویت نماید روس را در حاصل نمودن بندری در خلیج فارس و تعمیر آن بندر به طریق تجارتي؛ و چون امروزه رونق تجارت روس منحصر به ایران است به استرضای دولت انگلیس، مراعات برخی شروط دولت روس را مدد داده خواهد شد که در هر گوشه ایران بنگهای [بانکهای] مختلف دائر و هرگونه تجارت و تصرف در شهر پایتخت و سائر بلاد ایران مناسب داند جاری و ساری دارد، ولی روس باید اطمینان دهد انگلیس را که پای خود را از ترکستان بیرون نخواهد گذارد.»^{۱۹} گزارش سفارت ایران در لندن به وزارت امور خارجه به تاریخ ۱۸ ذیحجه ۱۳۲۳ق نظر نویسنده مقاله را، که معتقد است انگلستان برای عقد پیمان با روسیه یکی از بنادر خلیج فارس را در اختیار روسیه خواهد گذاشت، رد می‌کند و از مخالفت انگلستان با این درخواست خبر می‌دهد.^{۲۰} به هر حال، در مقاله فوق روزنامه جبل‌المتین ادعای قبلی‌اش را، مبنی بر این که روسیه و آلمان در مقابل اتحاد ژاپن و انگلستان متحد خواهند شد، رد کرده است و از این زمان به بعد مقالات جبل‌المتین با شدت و حدت پیگیر اخبار اتحاد روسیه و انگلستان است؛ زیرا: «این اتحاد حتمی‌الوقوع است ولی از ساعتی

۱۷. همان، ص ۳-۴.

۱۸. همان.

۱۹. همان، ص ۳.

۲۰. اسناد وزارت خارجه ایران، ص ۲۴، ک ۸، پ ۱ و ۴.

که این اتحاد بسته شود تا وقتی که اثرات خود را کاملاً بر ما ظاهر سازد، بیست ساله آخرین فرصت ماست؛ چه، سرایت سموم این اتحاد در جسم ملک و ملت و دولت ما تدریجی خواهد بود. هر روز بندی از بندها و همراه عضوی از اعضا و هر سال رکنی از ارکان جسم مقدس ما را فاسد و کاسد و بیکار نموده»^{۲۱} و «هیچ جای شبهه نیست که اگر این اتحاد ملحوظه قائم، و ما سدی در جلو آن ننبدیم تا قرون عدیده سلطنت قومی و استقلال ملی ایران را وداع خواهد گفت.»^{۲۲} همان طور که جبل‌المتین نوشت، اتحاد روسیه و انگلستان حتمی‌الوقوع بود و تأثیر مخرب آن بر سرنوشت ایران، حتی بدون اطلاع از جزئیات قرارداد، امری واضح بود طبعاً حکومت ایران باید عکس‌العملی شدید به نسبت به آن نشان می‌داد با توجه به اینکه صدراعظم ایران سلطان عبدالمجید میرزا عین‌الدوله به بیگانه ستیزی شهره بود. هاردینگ در نامه‌ای به لنزدون به تاریخ ۳۱ ژانویه ۱۹۰۵م/ ۲۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۲ق درباره عین‌الدوله می‌نویسد: «در ارزشیابی حکومت عین‌الدوله باید گفت تاکنون سیاست او عکس‌العمل وضع صدارت اتابک است؛ یعنی در جهت داخلی علیه بی‌بندوباری و ولخرجیهای او و در جهت خارجی علیه تمکین او از روس... روابط عین‌الدوله با ما هرگز صمیمی و یکجبهت نبوده است... به نظر می‌آید که هدف عمده‌اش برانداختن مداخله خارجی است در امور داخلی مملکت... و ایستادگی در برابر هر نوع تقاضای بیگانگان مانند امتیازهای بازرگانی، راه‌سازی و کشیدن خط تلگراف و امثال آن... سیاست او را می‌شود چنین خلاصه کرد: دفع هر گونه نفوذ اروپایی تا حد امکان. در ضمن برای انگلیس مختصر رجحانی در تناسب با روس قائل است.»^{۲۳} عین‌الدوله در تحقق اهداف خود در سال ۱۳۲۲ه.ق قدمهای مثبتی برداشت: «دستگاه بریگاد قزاق روسی را که به صورت تشکیلات مستقلی درآمده بود در تحت اداره مستقیم وزارت جنگ قرار داد... انگلیس تقاضای کشیدن خط تلگراف بین نصرت‌آباد سیستان و کوه ملک سیاه را داشت. دولت اجازه نداد عین‌الدوله هیچ امتیازنامه خارجی هم نداد؛ حتی در ۱۳۲۲ق اعلام کرد اتباع ایرانی [ای] که صاحب امتیازنامه‌هایی هستند حق واگذاردن آن را به اتباع خارجی ندارند. و نقض این قاعده به خودی خود موجب ابطال امتیازنامه است... به علاوه، همانجا اعلام شد اتباع بیگانه

۲۱. جبل‌المتین. س ۱۳، ش ۱۲، ص ۲.

۲۲. همان، ش ۱۳، ص ۱.

۲۳. فریدون آدمیت. ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران. (تهران، پیام، ۲۵۳۵)، ج ۱، ص ۱۲۶.

تنها با اجازه رسمی دولت می‌توانند به ایجاد کارخانه‌های صنعتی برآیند.^{۲۴} با همه اوصافی که در مورد بیگانہ‌ستیزی عین‌الدوله ذکر شد ایران در قبال قرارداد ۱۹۰۷م موضعگیری قاطعی نداشت و اعتراضش در سطح نازلی بود، که در جای خود به آن اشاره خواهیم کرد. علت اصلی این امر را باید در حوادث داخلی ایران جست‌وجو کرد. تقریباً، همزمان با از پرده برون افتادن راز گفت‌وگوی اتحاد روس و انگلیس، ایران درگیر انقلابی شد که سرآغاز آن چوب خوردن تاجران تهرانی بر سر قیمت قند و مهاجرت روحانیان و تاجر در اعتراض به این عمل به حرم حضرت عبدالعظیم (ع) در شوال ۱۳۲۳ق بود و مدت هشت ماه طغیان عمومی که سرانجام به صدور فرمان مشروطیت انجامید. کشور



عبدالمجید میرزا عین‌الدوله [۱۳۰۳-۱۳۰۷ع]

دستخوش درگیری، شبنامه نویسی، مهاجرت به قم و تحصن در سفارت انگلیس بود. بدین ترتیب، تلاش برای حل معضلات داخلی فرصت پرداختن به مسائل خارجی را نه تنها از دولت و دولتمردان بلکه از ملت و نخبگان آن نیز سلب کرد و توجه همگان معطوف حوادث داخلی شد. جبل‌المتین علت درگیریهای داخلی ایران را نتیجه اقدامات و تحریکات انگلستان می‌داند؛ هشت روز پس از امضای قرارداد ۱۹۰۷م در مقاله‌ای می‌نویسد: «همه کس می‌داند یکی از پلتیکهای [پلیتیکهای] عمده انگلیس در ممالک دیگران پیدا کردن یک سرگرمی و اشتغال فوق‌العاده است که به خود بپردازد و از مقاصد بلند بازماند... این پلتیک [پلیتیک] را نیز به کار دولت روس زد: از یک طرف، جنگ اقصای شرق را برپا نمود و دولت روس را فوق‌الحد گرفتار و پریشان ساخت؛ از طرفی

میرزا نصرالله خان مشیرالدوله [۳۱۴-ع۱]



دیگر، به هر شکلی که بود خیالات اهالی روسیه را به سمت آزادی معطوف داشت و بعد از فراغت از جنگ با ژاپون دولت روس یکسره دچار انقلابات داخلی گردید و تا رفت خبردار شود انگلیس نفوذ و قدرت خود را در ملک تبت استوار ساخت. ایرانیان را نیز سرگرم مسئله مشروطیت و تشکیل مجلس مقدس شورای ملی و آزادی و غیره نموده میدان جولان خود را از اغیار خالی ساخت و، تا آنجا که می‌خواست،

مرکب را تاخت.»^{۲۵} سکاندار سیاست خارجی ایران در این زمان میرزانصرالله خان مشیرالدوله بود که امیدی به مخالفت و مقاومت او در مقابل بیگانگان نبود. در طی این

مدت سرنوشت‌ساز شاید اعتراض علاءالسلطنه به لنزداون تنها مورد رسمی اعتراض ایران به قرارداد مذکور باشد. در رمضان ۱۳۲۴ق محمدعلی خان علاءالسلطنه از لرد لنزداون در مورد توافق انگلستان و روسیه بر سر ایران سؤال کرد، اما لنزداون منکر چنین توافقی شد؛ ظاهراً وزیرمختار ایران هم به این جواب قناعت کرد.^{۲۶}

در چنین موقعیتی، جبل‌المتین به افشاگری خود دربارهٔ قرارداد ادامه



محمدعلی خان علاءالسلطنه [۵۴۴-ع۸]

۲۵. جبل‌المتین، [تهران]، س ۱، ش ۱۱۲، ص ۱.

۲۶. فیروز کاظم‌زاده. روس و انگلیس در ایران..... ص ۴۷۶.

داد. در ۲۰ محرم ۱۳۲۴ق جل‌المتمین درخصوص فعالیت‌هایش می‌نویسد: «از شماره ده تا هیجده شرح تلگرافات روتر و مقالات جرائد انگلیسی و روسی را در اتحاد دولتین مشارالیهما و نتایج وخیمه آن برای ایران و ایرانیان مدلل داشته و به عنوان «ما را چه باید کرد» تکالیف روحانیون و دولتیان، یعنی قان‌دین ملت و رجال دولت، را تا اندازه‌ای که قلم ما آزاد بود و تا درجه‌ای که عقل ناقصمان رسائی داشت، نگاشتیم.^{۲۷} در همین زمان، روزنامهٔ چهره‌نما هم به درج مقالاتی دربارهٔ قرارداد مبادرت ورزید.^{۲۸}

هنگامی که اتحاد روسیه و انگلستان به مراحل نهائی‌اش نزدیک شد ایران اولین حرکت رسمی خود را برای اطلاع از چگونگی آن انجام داد؛ و این حرکت هنگامی صورت گرفت که روزنامهٔ استاندارد لندن مقاله‌ای دربارهٔ اتحاد روس و انگلیس نوشت و صراحتاً موضوع تقسیم ایران را مطرح کرد. پس از چاپ آن مقاله دولتهای ایران و آلمان از ایزولسکی توضیح خواستند. به کاردار سفارت ایران در پترزبورگ رسماً جواب دادند نوشته‌های مقاله بی‌اساس است. دولت هم با همین جواب قانع شد؛ اما آلمانیها موضوع را پیگیری کردند در نتیجه، سر ادوارد گری هم ناچار شد موضوع قرارداد را تکذیب کند.^{۲۹} روزنامهٔ جل‌المتمین برای اینکه مردم ایران در جریان قرار گیرند نوشت: «اخبار استندرد در مقالات خود امروز [۲۴ ربیع‌الاول] چنین اشاعت داد که در اتحاد انگلیس و روس مخابرات رسمیه جاری است خاصه در امور متعلقه با دولت عثمانی و ایران و افغانستان و تبت؛ و تا یک درجه پیشرفت این اتحاد شده. هرگاه انتخاب وزارت حکومت روسیه به قانون جدید کامیاب شود این امر هم به تکمیل خواهد پیوست فعلاً دولت روس خواهشمند حصول بندری در خلیج فارس نیست. در شمال و جنوب ایران دولتین روس و انگلیس نفوذ بالمساوات را تا صحرای نمکزار مقرر داشته‌اند.»^{۳۰} روزنامهٔ چهره‌نما هم در مقاله‌ای که به بررسی اتحاد روس و انگلیس اختصاص داد به مقالهٔ روزنامهٔ استاندارد اشاره می‌کند و در خاتمه می‌افزاید که «رجال کار آگاه دولت ایران از موضوع این اتفاق و دقایق این اتحاد به خوبی مستحضرند و برای تأمین استقلال وطن عزیز و تعمیم استقراریت دولت متبوعهٔ خود جنبشی غیورانه خواهند نمود و ایران و ایرانیها را در تحت اجرا و انتشار قانون ... از هرگونه مخاطرات محسوسانه می‌رهانند و الا می‌دانند

۲۷. جل‌المتمین، س ۱۳، ش ۲۸، صص ۲-۱.
۲۸. چهره‌نما، س ۲، ش ۱۲، ص ۱۵.
۲۹. محمود محمود. تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس در قرن نوزدهم میلادی. (تهران، اقبال، ۱۳۳۲). ج ۷، صص ۲۰۶۹-۲۰۶۸.
۳۰. جل‌المتمین، س ۱۳، ش ۳۷، ص ۲۲.

زمانی که، به اقتضای وقت، صلاح دولت روس اتفاق با انگلیس شد برای ما امکان بقا نیست و خواهی نخواهی مضمحل خواهیم شد؛ دولت و ملت و مملکتمان از دست خواهد رفت، خیر الکلام مائل و دل.^{۳۱} اما «جنبش غیورانه» مورد انتظار نه از دولت پیش از مشروطه سر زد و نه از مجلس و دولت پس از مشروطه. حل‌المتمین پیش از اعطای فرمان مشروطیت و تشکیل مجلس در ۲۲ ربیع‌الثانی بازهم به موضوع اتحاد روس و انگلیس اشاره می‌کند و از اقداماتش برای روشن کردن اذهان سخن می‌گوید، «اینک هشت ماه کامل است که روزنامه حل‌المتمین این عنوان را موضوع بحث قرارداد» بدون مدهنه و تعارف گفتنیها را می‌گوید و دور از چاپلوسی و تملق تکالیف هر طبقه را معین می‌دارد... یاد دارم در آغاز این فریادهای دلگداز جراید همسایه گفته‌های ما را مضحکه می‌کردند تا جائی که بعضی از هم‌قلمان ما نوشتند: (گویا نگارنده حل‌المتمین چیزی را در عالم رؤیا دیده و آنچه را می‌نویسد تعبیر و تأویل آن است). ارباب سیاست ایران هم بر این سخنان قهقهه زده بر تعارفات چرب و نرم نمایندگان همجوار مغرور شده نگارشات جرائد همسایه که مبنی بر پیشرفت پلتیک [پلیتیک] خودشان بوده و هست دلیل صدق و صفای نیت دایگان مهربان‌تر از مادر گرفتند. اینک که این راز مستور در هزاران حجاب از پرده بیرون افتاده و اتحاد رقیبان دیرین طشت از بام افتاده شد بی‌پرده جرائد روس و انگلیس همان مسئله را موضوع بحث قرارداد ایران و ایرانیان را مال‌المصالحه اتحاد خود جلوه می‌دهند.^{۳۲} حل‌المتمین بعد از مشروطه به انتظار اقدام مجلس شورا می‌نشیند. در ۱۷ شعبان ۱۳۲۴ق/ ۷ اکتبر ۱۹۰۶م اولین جلسه رسمی مجلس شورای ملی ایران تشکیل شد و در رمضان همان سال حل‌المتمین در سرمقاله‌اش، ضمن پرداختن به موضوع قرارداد، توقعش را از مجلس شورا به وضوح بیان می‌کند و می‌نویسد: «تصور نشود که بالاصاله اجازه افتتاح پارلمان و امضای قانون انتخاب و کلا فرقی در حال ایران و ایرانیان پیدا کرده؛ اینها همه شالوده است، و شالوده هیچ عمارت بالاصاله سبب آسایش و راحت شناخته نمی‌شود... این هیاهو جز پر کردن گوش و توجه خودی و بیگانه به جانب این آوازا بالاصاله هیچ نتیجه خارجی نبخشید. اینها همه قول است؛ فعل می‌خواهد. از شصت سال به این طرف قولاً دارای همه چیز بوده‌ایم؛ دارالشورای کبری، وزارت عدلیه و تجارت و ووو داشته‌ایم؛ آیا این اسمهای بی‌مسمی هیچ برای بقای سیادت ملت و

۳۱. چهره‌نما، س ۲، ش ۱۸، صص ۱ و ۱۵.

۳۲. حل‌المتمین، س ۱۳، ش ۴۰، صص ۲-۱.

دولت فایده و اثر بخشید؟ اگر دارالشورای ملی ما هم فقط به رسم افتتاح و اسم تنها اکتفا نماید گمان نمی‌رود که بیش از دارالشورای کبری نتیجه دهد و ملت و دولت را از وجود خود فائده بخشد؟ برای اثبات این مدعا که فقط هیاهوی تنها حافظ پلتيکی ما نیست... همانا اتحاد تازه دو همسایه جنوب و شمال ما که درباره ایران نموده و حتی موضوع بحث دارالشورای ملی انگلستان هم گردیده کافی تواند بود. این همان اتحاد است که از سیزده ماه به این طرف نامه مقدسه حبل‌المتین، با شرح و بسط، موضوع بحث قرار داده به عنوان (ماراچه باید کرد) در جلوی این سیل بنیانکن تکالیف هر طبقه را به اندازه چند رساله نگاشته و در حقیقت در این مدت مدید غالب موضوع بحث ما همین مسئله مهم بوده یا چیزی که راجع بر آن است... نمی‌دانیم اعضای شورای ملی از وزارت خارجه درباره معاهده این دو همسایه قوی پنجه که درباره ایران نموده پرسش کرده و کیفیت و حقیقت آن را دریافت کرده‌اند یا نه؟ آیا جناب علاء‌السلطنه وزیر امور خارجه رسماً یا شخصاً از ماهیت و چگونگی این معاهده استفسار فرموده از حقیقت آن باخبر شده یا خیر؟ شاید رسماً حق آن را داشته باشیم که از کیفیت و حقیقت آن مطلع گردیم. آیا (ژرژ دوفرهای) [شارژدافره‌ای] لندن و پترسبرگ برای خیر ملت و دولت و خدمت به وطن عزیز خود به طریق شخصی یا رسمی تحقیق کافی از این معاهده نموده و در مواد آن غور کرده به وزارت خارجه خبر داده‌اند؟ یا مانند ازمنه سالفه (هرکه خواهد گو بیا و هرکه خواهد گو برو) تفتیش این امور را از وظائف خود خارج تصور کرده‌اند... آنچه تاکنون از عناوین تلگرافها و مباحثات پارلمان انگلستان و نگارش جرائد روس و انگلیس ظاهر شده هنوز بین دولتین مشارالیهما در کلیه امور راجعه به ایران معاهده نشده؛ فقط بحث مقدماتی آن در پیش است و آنچه وزیر خارجه انگلستان در پارلمان جواب داده این معاهده مبنی بر فیصله منافع تجارتي دولتین مشارالیهما خواهد بود، که به تساوی، فایده حاصل نمایند. دانایان رموز سیاست را پوشیده نیست که این بیانات خود بالاصاله مبنی بر پلتيک است؛ چه، امروزه اروپایان تجارت را پیش خیمه سیاست قرار داده به عبارت ساده هر معامله را که نمی‌خواهند به اسم سیاست از پیش برند نام تجارت بر روی آن می‌گذارند. ۳۳

نمایندگان مجلس شورا در قبال قرارداد ۱۹۰۷م چه موضعی اتخاذ کردند؟ آیا مواضع آنها با انتظارات ملی هماهنگی داشت؟ در ۳۰ ژانویه ۱۹۰۷م / ۱۵ ذیحجه ۱۳۲۴ق

سرسیسیل اسپرینگ رایس در گزارش به سر ادوارد گری به احساسات ضدخارجی مجلس شورای ملی ایران اشاره کرده می‌نویسد: «این‌جانب، قبل از این، توجه شما را به پیدایش احساسات ضدخارجی، به ویژه در مجلس که مشهود است، جلب کرده‌ام. این احساسات به صورت هراس از انگلیس و روسیه، به خصوص از متحد شدن آن دو کشور، جلوه‌گر می‌شود. هرگونه اظهار و تظاهری که مبین اتحاد این دو کشور باشد یا هر نشانه آشکاری که نمودار همکاری روس و انگلیس باشد در نظر ایرانیان خطر مستقیمی نسبت به استقلال ایران تلقی می‌گردد.^{۳۴} نشانه‌ای که ادعای اسپرینگ رایس را در مورد احساسات ضدخارجی نمایندگان مجلس اثبات کند در دست نیست. نمایندگان مجلس تا زمان امضای قرارداد هیچ‌گونه عکس‌العملی نسبت به آن نشان ندادند. در روزنامه مجلس هم توجهی به قرارداد نشده است اولین بار در ۴ جمادی‌الاول ۱۳۲۵ روزنامه مجلس، ضمن مقاله‌ای، به موضوع قرارداد اشاره می‌کند. مقاله به امضای نورالله اصفهانی است که بخشی از آن نقل مطلبی از روزنامه عربی الهدی چاپ نیویورک است. در این قسمت درباره اتحاد روسیه و انگلستان نوشته‌اند که: «دولت آلمان شدیدترین دولتی است از حیث خطر بر سلامت ایران زیرا که دولت روس و انگلیس برحفظ بقای دولت ایران اتفاق و معاهده کرده‌اند و هریک اعتراف دارند نفوذ دیگری را در ناحیه [ای] از ممالک ایران چنانچه قسمت شمالی از برای روس است و قسمت جنوبی از برای انگلیس... ولی مادامی که دولتین انگلیس و روس بر بقای ایران متفق‌اند خوفی از آلمان نیست زیرا که آلمان نمی‌تواند در مقابل این دو دولت قوی پنجه مقاومت نماید؛ و اگر خود این دو دولت هم‌چنین قصدی درباره ایران داشتند تاحال قصد خود را به عمل آورده و هریک قسمتی را از شمال و جنوب متصرف شده بودند پس دادن این احتمال نسبت به آن دو دولت خیلی مستبعد است زیرا که قصد دو دولت فقط بر ابقاء نفوذشان است در ایران.»^{۳۵} نویسنده مقاله و ناشران روزنامه مجلس موضعی علیه نقل قول مذکور اتخاذ نمی‌کنند. چنین موضعگیری‌ای در قبال قرارداد و درج آن در روزنامه مجلس، با توجه به اینکه کوس رسوایی قرارداد را از مدتها قبل زده بودند، موجب حیرت است. آیا ناشران روزنامه مجلس تا این حد نسبت به اتحاد روس و انگلیس ناآگاه‌اند؟ بی‌شک افشاگریهای دو ساله روزنامه جل‌المتمین از نگاه ناشران روزنامه مجلس به دور نبوده

۳۴. حسن معاصر. تاریخ استقرار مشروطیت در ایران. (تهران، ابن‌سینا، ۱۳۴۷). ص ۱۷۸.

۳۵. مجلس، س ۱، ش ۱۱۴، ص ۲.

میرزا علی اصغر اتابک (امین السلطان) [۴۹۹۶-۴۱ع]



است؛ پس علت این سهل‌انگاری و سهل‌اندیشی چیست؟ مقاله دیگر روزنامه مجلس قبل از امضای قرارداد در ۲۱ رجب ۱۳۲۵ ق به قلم یکی از دانشمندان پاریس است. نویسنده مقاله وکلای مجلس را مخاطب قرارداده و در مورد قرارداد و عواقب آن می‌پرسد: «آیا فکری برای عواقب امور مملکت و ملت ایران کرده‌اید؟ آیا هنوز در گفت‌وگوی عمل‌احتکار و مرافعه ملک‌التجارید و مباحث عاطل و مذاکرات بی‌حاصل؟»^{۳۶}

واقعیت این است که مجلس درگیر مسائل دیگری است و توجهی به قرارداد ۱۹۰۷ م، که هدفش استقلال ایران است، ندارد.

در ۳۱ اوت ۱۹۰۷ م / ۲۲ رجب ۱۳۲۵ ق قرارداد روس و انگلیس امضا شد. همزمان با آن، در ۲۱ رجب ۱۳۲۵ ق میرزا علی اصغرخان امین‌السلطان اتابک رئیس‌الوزرای ایران هنگام خروج از مجلس به دست عباس آقا صراف ترور شد با ترور او موج جدیدی از درگیری‌های جناحی ایران را فراگرفت و اذهان عمومی بیش از گذشته معطوف به مسائل داخلی شد. عین‌السلطنه در

بخانه عباس آقا صراف تبریزی (قاتل اتابک) بعد از خودکشی [۶۸۳۱-۴۱ع]



وصف اوضاع ایران پس از ترور اتابک می‌نویسد: «پس از قتل اتابک امین‌السلطان، کابینه جدید که در نظامنامه هشت وزیر مسئول است به ریاست مشیرالسلطنه برقرار شد.

ولایات مغشوش، همه‌جا درهم و برهم، رشته‌نظم گسیخته؛ یک شیر تو شیری است که نمی‌شود تحریر کرد.»^{۳۷} با همه این احوال، ایرانیان باز هم نگران اتحاد روسیه و انگلستان بودند. نامه وزیرمختار انگلیس در ایران به علاءالسلطنه وزیرامور خارجه چهار روز پس از امضای قرارداد ۱۹۰۷م حاکی از تلاش وی برای تسکین افکار عمومی ایرانیان است. حبل‌المیتین در ۵ شعبان ۱۳۲۵هـ ق نامه مذکور را عیناً درج می‌کند و می‌نویسد: «شرحی نیز وزیرمختار انگلیس مقیم طهران در تاریخ ۲۶ شهر رجب گذشته، که هشت روز قبل باشد، به وزارت امورخارجه ایران در این خصوص نوشته و از مضامین آن معلوم است که وزیرمختار مزبور نهایت سعی است که سوءظنی که در این موقع در اذهان متمکن شده، که معاهده مذکور راجع به تقسیم ایران است، رفع بنماید و مابه زحمات زیاد سواد آن را به دست آورده برای استحضار خاطر عموم مشترکین گرام درج می‌کنیم؛ و بعد از آن، عقاید شخصی خود را ضمیمه نموده سپس تکالیف خود را در علاج این درد مشکل عرضه می‌داریم، مگر مورد توجه ارباب حل و عقد افتد درپی چاره و درمان برآیند و شب ظلمانی ما را نور آیتی در عقب رخ نماید.»^{۳۸} وزیر مختار انگلیس در نامه خود بر حفظ منافع و استقلال ایران از سوی دوکشور روسیه و انگلستان تکیه می‌کند و مدعی است که این قرارداد هیچ خللی به مصالح ایران وارد نخواهد آورد و استقلال ایران با امضای این قرارداد تا ابدالدهر تأمین خواهد شد.*

روزنامه مجلس در ۲۹ رجب ۱۳۲۵ق مذاکره نمایندگان مجلس را درباره قرارداد چاپ کرد. مطالعه مذاکرات برای اطلاع از میزان حساسیت و آگاهی نمایندگان مجلس نسبت به موضوع قرارداد لازم است؛ متن کامل آن بدین قرار است:

گفت‌وگوی بین‌وکلاهی مجلس در باب اتحاد روس و انگلیس

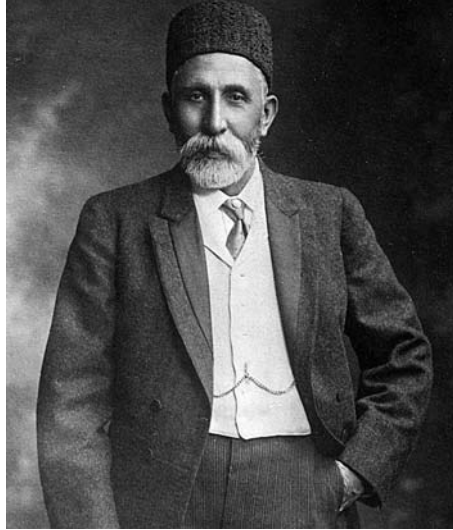
حاج معین‌التجار - گویا چند روز است که قرارداد روس و انگلیس تمام شده و یک اندازه اسباب وحشت مردم گردید. صورت آن قرارداد را هم گویا به وزارت خارجه فرستاده‌اند. اگرچه ظاهراً می‌گویند این معاهده در استقلال ایران است ولی نمی‌شود اطمینان حاصل کرد؛ باید این قرارداد را چون در باب ایران است رسماً ما

۳۷. قهرمان میرزا عین‌السلطنه. روزنامه خاطرات عین‌السلطنه. به کوشش مسعود سالور و ایرج افشار. (تهران،

۳۸. حبل‌المیتین، س ۱، ش ۱۵، ص ۲.

اساطیر، ۱۳۷۷). ج ۳، ص ۱۸۰۲.

* متن کامل نامه ضمیمه است.



بدانیم و آن قرارنامه را بدهند و نوشته هم بدهند که غیر از این صورت ظاهری قرارداد دیگری در خفا ندارد.

اسدالله میرزا - از قراری که گفتند عهدنامه بین روس و انگلیس و [در؟] خصوص آسیا تمام شده و، همان‌طور که گفتند، صورت این عهدنامه را باید به مجلس بفهرستند. یکی از مواد آن این است که در نفوذ پلنتیکی [پلیتیک] و تجارتی هر کدام طرفی را اختیار نمایند و یک چیز دیگری هم در بین هست که استقلال دولت ایران را ضمانت کرده‌اند آن ماده اول را در روزنامه‌جات

نوشته‌اند؛ پس باید این عهدنامه را خواست و دید.

حاج امین‌الضرب - در یک سوادی دیدم که این ماده آخری را به یک طوری نوشته بودند؛ اگر حقیقت آن‌طور باشد خوب است، ضرری ندارد؛ ولی در هر صورت باید آن عهدنامه را دید.

آقامیرزا ابوالحسن خان - لایحه از سفارت به



وزیر امور خارجه نوشته شده. صریحاً نوشته‌اند نفوذ این دو دولت در مملکتی که همسایه هستند به تساوی باشد؛ یعنی، انگلیس در طرف جنوب و روس در طرف شمال و هیچ یک از این دو دولت در طرف دیگری دخالت نکند. و من معنی آن کلامی را که حاجی امین‌الضرب گفته نفهمیدم و یک کلمه دیگر هم هست که

«اموری که از برای دولت ایران رخ می‌دهد به کمک این دو دولت فیصل بگیرد»؛ این مطلب را هم نفهمیدم. پس باید نوشت که صورت عهدنامه را بفرستند در وزارت خارجه؛ و استدعا می‌کنیم که صورت آن را داده و بنویسند که «غیر از این قرارداد دیگری نداریم، ما بیش از این سؤال و خواستن حق دیگری نداریم.»^{۳۹}

جبل‌المیتین در اول شعبان به نمایندگان مجلس می‌تازد: «این ایام شنیده می‌شود که معاهده مزبور از تحت نظر و بحث خارج و تمام مواد و فصول آن تصفیه شده است. عقلای دانشمند می‌دانند که با این وضع غفلت و بی‌خبری ما امضای عهدنامه همان و خاتمه یافتن سلطنت و استقلال ایران همان؛ زیرا که به مجرد صحه شدن معاهده طرفین بی‌درنگ به عملیات شروع خواهند نمود و دنباله خیال را خواهند گرفت. ما چندان از وزرای خود شکوه و گله نداریم؛ زیرا که اینها سالهاست پیه این کار را بر خود مالیده و به درجه‌ای مرعوب شده‌اند که در مقابل اجانب جز اطاعت و فرمانبرداری کاری نمی‌کنند... همه توقع ما از وکلاست که با این همه هیاهو و اظهارات چرا در این‌گونه موارد به تکالیف خود عمل نمی‌کنند. در جزئیات که خارج از شغل و وظیفه آنهاست این همه داد و بیداد دارند و برای حفظ استقلال مملکت یک کلمه نمی‌گویند... به هر حال، مجلس باید تحقیقات بنماید و از وزیر امور خارجه جويا شود. راستی حکایت دارد: ما در خانه خود نشسته دیگران در خانه ما گفت‌وگو می‌کنند و با هم عهد و پیمان می‌بندند و به خود ما هم اطلاع نمی‌دهند! این یک داستان غریبی است که نظیرش را کسی ندیده است. تکلیف مجلسیان است که فوراً وزرا را به مجلس علنی خواسته کمیسیون بازی و مجلس سری را که این سه چهار ماهه برپا شده موقوف نموده علانیه [علانیتا] مطلب را تحقیق کنند و رسماً به تمام دول اطلاع بدهند که بدون اطلاع ماهرگونه معاهده بسته شود از درجه صحت و اعتبار ساقط و عاطل است. تاکنون آنچه از مواد این معاهده به ما رسیده است سه امر است: (۱) انتگریته [تمامیت ارضی] ایران، یعنی حفظ استقلال آن؛ هیچ‌یک از دول اجنبی حق ندارند که یک وجب خاک ایران را تصرف نمایند؛ (۲) ضمانت روس و انگلیس در استقلال و پادشاهی شخص پادشاه ایران؛ (۳) اصفهان و کرمانشاهان داخل در حدودی است که روس نفوذ پلتیکی [پلیتیکی] در آنها دارد. حال، اگرچه عنوان ظاهری این معاهده حفظ استقلال ایران است و بدین واسطه بعضی از

وکلائی ما به اشتباه افتاده در مجلس فرموده‌اند که این معاهده ضرری برای ایران ندارد زیرا که مقصود اصلی از این معاهده نگاهداری ایران است؛ لکن موشکافان رموز پلتیک [پلتیک] به خوبی واقف‌اند که در هرکجا نفوذ یکی از دول پیدا شده در تحت همین کلمات دلنشین ظاهر فریب بوده است؛ لکن در صورتی که این دو دولت طالب بقاء سلطنت ایران بودند دیگر معاهده لازم.... واضح است خطری که بر ایران متوجه است از این دو دولت است.^{۴۰}

جبل‌المتین، چند روز بعد در واکنش به اظهار شادمانی روزنامه‌های انگلستان و روسیه از عقد قرارداد و در پاسخ به وکلای مجلس می‌نویسد: «روس در ایران چه کاره است که اذن بدهد یا ندهد. از شمال تا جنوب متعلق به خود ماست. نه صغیر هستیم که قیم بخواهیم و نه دیوانه و مجنون که ولی لازم داشته باشیم. اگرچه مخبرالملک در پارلمان می‌گوید ملت ایران لله لازم دارد؛ لکن این حرف به کلی باطل است؛ ایرانی به حد رشد رسیده و لله لازم ندارد. اگر لله لازم داشت صاحب پارلمان نمی‌شد؛ زیرا که معنی پارلمان واگذار کردن حقوق و قدرت به خود ملت است که خودش امور خود را منظم کند و از بین خود وکلا انتخاب نموده نایب خویش سازد. اگر رشد ندارد حق وکیل انتخاب نمودن هم ندارد.^{۴۱}

دولتهای انگلیس و روسیه تا مدت‌ها سعی کردند از انتشار مواد قرارداد جلوگیری کنند. در ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۷م/ ۱۶ شعبان ۱۳۲۵ق سفارت انگلیس طی نامه‌ای رسمی وزارت خارجه ایران را از مواد قرارداد مطلع ساخت،^{۴۲} ولی وکلای مجلس به صورت رسمی در ۲۶ شعبان از مضمون نامه سفارت انگلستان مطلع شدند. روزنامه مجلس در ذیل اخبار مذاکرات روز شنبه ۲۶ شعبان مجلس می‌نویسد ابتدا به دستور رئیس مجلس مراسله سفارت انگلیس به وزارت خارجه ایران خوانده شد. سپس مذاکرات نمایندگان درباره قرارداد در روزنامه چاپ شده است. نمایندگان مجلس، بعد از اعتراضی محدود و ضعیف به قرارداد، به بحث در مورد جلوگیری از بست‌نشینی پرداختند؛ گویی اتفاق چندان مهمی نیفتاده است. مجموع مذاکرات نمایندگان مجلس بدین قرار است:

مستشارالدوله - بر همه معلوم است که مدت‌ها دول روس و انگلیس در ایران نفوذ پلتیکی [کذا] و تجارتی داشته‌اند و در بعضی نواحی مال بعضی زیادتر بود. در حقیقت ایران میدان کاملی بود به جهت آن دو دولت. اگر دولت ایران واقف به نکات

۴۰. همان، ش ۱۱۳، صص ۲-۱. ۴۱. همان، شماره ۱۱۴، ص ۲. ۴۲. متن قرارداد ضمیمه است.



کار خود بود می‌توانست در آن حال میانیت فوائد و منافع بیشمار حاصل نماید؛ ولی متأسفانه موقع را از دست داد و آن میانیت از بین مرتفع شد. خیلی جای تعجب است که دو دولت در داخل دولت مستقلى قرارداد می‌گذارند. معلوم است که دول حقوق تجارتي خود را به هر وسیله باشد برقرار می‌دارند بدون اینکه صاحبخانه مطلع باشد. با این قرارداد و معاهده‌ای که بین دولتین شده

است دولت ایران می‌تواند به هر کسی امتیاز بدهد ولی در نواحی و جاهایی که امتیاز داده نشده باشد، اعم از اینکه طرف دولت روس و انگلیس باشد یا غیر از آنها، در هر نقطه و ناحیه که نفع خود در او ببینند. پس این قرارداد آن اختیار داخلی ما را سلب نخواهد کرد. بر فرض، این دو دولت برای خود و رعایای خود قراردادده‌اند ربطی به عمل ما ندارد و ما نمی‌توانیم ترتیب مملکت خود را تغییر بدهیم. اما اینکه نوشته شده که گمرکات جنوبی مرهون استقراض است اگر تأخیر افتاد کنترل بگذارند، اگرچه این مسئله با وزیرمالیه است ولی چون در اینجا مطرح شد بنده عرض می‌نمایم که در آن قرارداد استقراض گویا چنین شرطی نباشد و در صورت عدم آن حق ندارند، و در کنترل که از برای وصول عایدی گمرکات شمالی در صورت تأخیر قسط آن می‌گذارند آن هم باید موافق با قرار نامه استقراض باشد.

وکیل‌التجار - این دو دولت محترم چون در سابق میان خودشان در تجارت زدوخورد داشته‌اند می‌خواستند یک قراردادی میان خودشان بگذارند که به تجارت یکدیگر خسارت وارد نیآورند و مزاحم نشوند؛ اما در باب کنترل اینجا نوشته شده که برای اینکه اطمینان حاصل بشود حق دارند نه آنکه در صورت نرسیدن قسط. دیگر اینکه مطالب محرمانه و قرارداد مخفی هست یا خیر؟

رئیس - آنچه به وزارت امور خارجه نوشته‌اند همین است دیگر نمی‌شود آنها را قسم داد که آیا غیر از این هست یا نیست.

وثوق‌الدوله - گویا چیزی در این خصوص از آن بیانی که جناب مستشارالدوله



گفتند اولی‌تر نباشد. ماحصل مدلول این قرارداد این است که دولت انگلیس در شمال امتیاز نگیرد و دولت روس در جنوب و این ترتیب حال ایران را با سابق تغییر نخواهد داد و در هر موقعی دولت ایران می‌تواند به هر یک از دول امتیاز بدهد؛ اما در باب کنترل باید این ترتیب از روی معاهده و قرارداد آن استقراض باشد.

آقا میرزا ابوالحسن خان - این معاهده ظاهرش چون (کورکافر برحلال) [گورکافر مبرحلال] باطنش قهر خدا عزّ و جلّ [است].
حفظ حقوق تجارتمی و حدود سیاسی مسئله

جداگانه‌ای است. رجوع به تواریخ گذشته باید نمود که مقصود از تجارت چه بوده است. من چیزی عرض نمی‌کنم؛ همین قدر چیزی را که بعضی از روزنامه‌جات دولت انگلیس گفته‌اند عرض می‌کنم که می‌نویسد در این موقع که دولت ایران پایه جاده ترقی و مشروطیت گذارده ما از دولت دوستی مثل دولت معظم انگلیس متوقع نبودیم که با یک دولت دوست همسایه دیگر ما چنین قراری بگذارند.

آقا سید حسن تقی‌زاده - هر چه بگوییم تأیید مطالب سابقه است. البته همه کس می‌دانند از برای دولتی که دو دولت دیگر در خاک او قرارداد بگذارند جای تأسف است ولی این را هم می‌گوییم که دولت ایران می‌تواند حقوق خود را حفظ کند و هیچ خللی بر او وارد نیاید. و بعد از تمام مذاکرات می‌توانم بگویم که زنده باد استقلال ایران.

حاجی شیخ علی - آیا این قرارداد را نمی‌شود تغییر داد؟
رئیس - خیر ماکاری به اینها نداریم و هر دولتی که امتیاز می‌خواهد ما با کمال استقلال می‌دهیم.

وکیل‌الرعا - آرزو مندیم که دولت ایران تمام منافع خود را حفظ کند. البته این دولت مادامی که دوستی ما بین خودشان را طالب‌اند ما هم تا آنجایی که لازم است حاضر خواهیم بود. و این قرارداد هم بدیهی است مابین خود آنهاست و ما می‌توانیم با کمال استقلال هر امتیازی که مقرون به صواب بدانیم به سایر دول بدهیم.

رئیس - فقط مقصود از این قرائت اطلاع بود؛ البته وزارت امور خارجه جوابی راکه لازم است خواهد نوشت.

اسدالله میرزا - آنچه که روزنامه‌جات انگلیسی انتشار می‌دهند این است که غرض از معاهده این بوده است که بعدها روس به طرق تجارتي افغانستان و راههای دیگر را به هندوستان پیدا نکند و هندوستان در تحت حمایت انگلیس بماند. گذشته از این هیئت حاليه وزرای انگلستان در کمال صداقت طرفدار آزادی هستند؛ چنانچه در این مدت اخير ترانسوال را آزادی دادند و ایرلاند که مدت‌هاست در تحت حمایت انگلیس است می‌خواهند که پارلمان و آزادی بدهند. با وجود این، دولت انگلیس هرگز راضی نخواهد شد که به استقلال ایران صدمه وارد آید.^{۴۳}

به هر حال، غرض از این مقاله بررسی مواضع نمایندگان مجلس در قبال قرارداد نیست چرا که بررسی آن موضوع باید در مقاله‌ای دیگر صورت پذیرد. در این مقاله تلاش شد، تا حد امکان، بازتاب قرارداد ۱۹۰۷م قبل از انعقاد آن در مطبوعات فارسی بررسی شود و این بررسی آشکار ساخت که روزنامه‌نگاران، وکلا، وزرا، اندیشمندان و عموم مردم ایران از مدتها قبل از انعقاد قرارداد نسبت به نقشه‌های انگلستان و روسیه آگاهی داشتند؛ اما به دلایلی که در ضمن مقاله به آنها اشاره شد از مقابله جدی با آن بازماندند و انگلستان و روسیه بی‌هیچ مانعی به اهدافشان دست یافتند. بررسی عواقب قرارداد ۱۹۰۷م هم به مقاله دیگری که امکان بسط آن باشد موکول خواهد شد.